

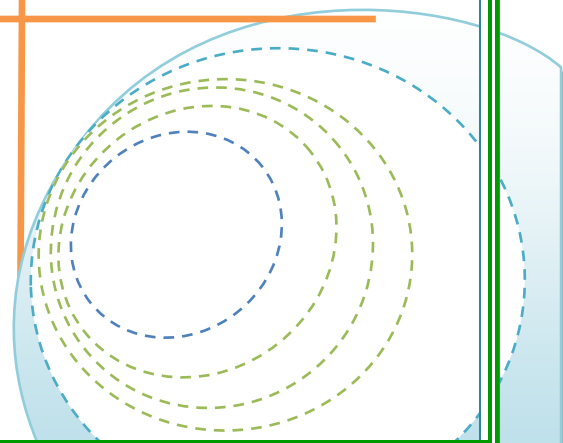
# گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

ویژه فرماندهان و هادیان سیاسی



- ۱- مقایسه تطبیقی «جنگ تحمیلی و جنگ تکفیری»
- ۲- دلایل حضور مستشاری ایران در منطقه و کمک به جبهه مقاومت

مهر ماه ۱۳۹۵







## بخش اول:

### مقایسه تطبیقی

### «جنگ تحمیلی و جنگ تکفیری»

#### مقدمه

جنگ گروه‌های تروریستی - تکفیری‌ها یکی از پدیده‌های بسیار خطرناکی است که طی سال‌های گذشته اساساً در نتیجه سیاست‌های غربی - عربی - عبری بخش‌های عمده‌ای از برخی کشورهای عربی از غرب آسیا گرفته تا شمال آفریقا را درگرفته و ضمن ایجاد تهدیدهای اساسی در ابعاد مختلف وجودی برای کشورهای مذکور، کل منطقه را نیز در معرض خطرات گوناگون قرار داده است. جنگ گروه‌های تکفیری - تروریستی در سوریه و عراق و حتی یمن و لیبی، به یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه بسیار حساس و در عین حال مورد توجه قدرت‌های بزرگ یعنی غرب آسیا، تبدیل شده است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی که غرب در منطقه ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی غرب آسیا برای خود تعریف کرده است، گام بر می‌دارد.

#### از جنگ تحمیلی تا جنگ تکفیری‌ها

مؤلفه‌های مختلفی وجود دارد که سبب شده است طی سالیان متمادی به خصوص در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز، منطقه غرب آسیا که در ادبیات غربی‌ها از آن با عنوان «خاورمیانه» یاد می‌شود، همواره در کانون توجه قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و استعماری قرار بگیرد؛ منطقه‌ای که بر پایه نفت می‌چرخد و از زمان جنگ جهانی اول که جهان غرب به سوی اقتصاد متکی به نفت حرکت کرد، به تدریج در امور سیاست جهانی نقشی محوری یافت. این منطقه راهبردی در طول دهه‌های گذشته دستخوش حوادث و جنگ‌های مختلفی بوده است، از جنگ «تحمیلی» عراق و قدرت‌های استکباری علیه ایران گرفته تا جنگ «تکفیری» امروز گروه‌های تکفیری - تروریستی تحت حمایت رژیم‌های مرتجع عربی و کشورهای غربی علیه محور مقاومت و گفتمان‌های همسو با انقلاب اسلامی.

#### شبهات‌ها

همانگونه که اشاره شد هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران و بیش از ۵ سال جنگ تکفیری‌ها در سوریه و

عراق و... دو جنگ شاخص منطقه در بیش از سه دهه اخیر می‌باشند. اما این دو جنگ به رغم تفاوت‌هایی، در مواردی از وجوه اشتراکی نیز برخوردار بوده و از نقطه نظر اهداف و مقاصد دارای شباهت‌هایی هستند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. تحمیلی بودن

«تحمیلی بودن» از منظری خاص می‌تواند به عنوان نخستین وجه شباهت جنگ ایران و عراق و جنگ گروه‌های تکفیری قلمداد شود. باید توجه داشت که تجاوز عراق به ایران در شرایطی آغاز شد که ایران دوره انقلابی و بی‌ثباتی را طی می‌کرد. نظام سیاسی ایران هنوز تثبیت نشده بود و در داخل و خارج با چالش‌هایی روبه‌رو بود. از بعد داخلی، در رأس حکومت ایران اختلافات اساسی وجود داشت. نظام جمهوری اسلامی در گوشه و کنار کشور با گرایش‌های تجزیه‌طلبی روبه‌رو بود. ارتش بنابر ضرورت انقلاب مورد تصفیه قرار گرفته و هیچ‌گونه آمادگی برای یک جنگ بیرون از مرزهای ایران را نداشت؛ ضمن اینکه در ذهن سران نظام نوپای جمهوری اسلامی، چنین فکری که خود را در بیرون از مرزها درگیر نمایند خطور نمی‌کرد. به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران در موقعیتی نبود که آماده مواجهه با یک جنگ بزرگ باشد. در واقع صدام حسین، دیکتاتور حاکم بر عراق، با استفاده از چنین موقعیتی به ایران حمله کرد و یک جنگ نابرابر را به ایران اسلامی تحمیل نمود. لذا این جنگ را از آن جهت تحمیلی می‌خوانند که عراق در چنین اوضاعی با تجاوز همه‌جانبه به ایران، آن را آغاز کرد و در واقع ایران قربانی اهداف توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه عراق شده بود و بدون آمادگی قبلی به یک جنگ فراگیر و ناخواسته وارد شد. شکست‌های اولیه ایران نیز ناشی از عدم آمادگی ایران برای جنگ بود. ایران به طور غیرارادی وارد این جنگ شد، اما دشمن ایران، با قصد و برنامه‌ریزی طولانی قبلی، این جنگ را به ایران تحمیل کرد تا به خواست‌های نامشروع خود دست یابد.

جنگ تکفیری‌ها به خصوص در سوریه و عراق نیز از این نظر شباهت نزدیکی به جنگ ایران و عراق داشته و از نقطه نظری خاص از ماهیت و خاصیت «تحمیلی بودن» برخوردار است. به این معنا که جنگ گروه‌های تکفیری که هم‌اینک در منطقه زیان‌کشیده است اساساً و اصولاً یک جنگ تحمیلی از طرف گروه‌های تروریستی تحت حمایت محور غربی - عربی - عبری به خصوص علیه دولت و ملت سوریه و عراق است.

### ۲. قداست دفاع

جنگ هشت ساله که با تحریک و حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی، توسط رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه‌ها نبود، بلکه تمام سرزمین ایران اسلامی اعم از شهرها و روستاها را در بر گرفت. در این راستا دفاع ملت ایران و رزمندگان ایرانی در مقابل تهاجم عراق به ایران که به هشت سال جنگ تحمیلی منجر شد، با توجه به این که دفاع از کیان اسلام و تمامیت ارضی یک کشور اسلامی و یک ملت مسلمان بود، در ادبیات جنگ و ادبیات سیاسی ایران به دفاع مقدس تعبیر شده است. بی‌شک دفاع ملت و دولت سوریه و عراق و رزمندگانی سوری و عراقی و حزب‌الله در مقابل قتل و غارت و کشتارهای وحشیانه و

غیرانسانی گروه‌های تروریستی - تکفیری در کشورهای مذکور نیز که به نوعی جهاد تلقی شده، از قداست خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که آن را نیز می‌توان «دفاع مقدس» و مبتنی بر آموزه‌های دینی و اسلامی در مقابل جنگ تکفیری‌ها که به نام اسلام و به بهانه دفاع از اهل سنت جنایات وسیعی در سوریه و عراق مرتکب شده و می‌شوند، قلمداد نمود.

بنابراین با توجه به اینکه اصل دفاع از دین و کیان اسلامی و تمامیت ارضی یک کشور اسلامی از قداست ویژه‌ای در اسلام برخوردار است. بنابراین دفاع ملت مسلمان سوریه و عراق در مقابل گروه‌های تروریستی و تکفیری، همچون دفاع ملت ایران در مقابله تهاجم صدام، مقدس و الهی قلمداد می‌شود. به بیان دیگر مقابله با گروه‌های تکفیری که جان و مال و ناموس و وحدت جهن اسلام و مسلمانان را نشانه گرفته اند، موضوعی است که در اصل دفاع مقدس نامیده می‌شود.

### ۳. وجه بین‌المللی و حمایت‌های بیرونی از متجاوز

برخورداری از ماهیت فراملی و بین‌المللی، شباهت دیگری است که در جنگ تحمیلی ایران و عراق و جنگ گروه‌های تکفیری در برخ کشورهای منطقه مشاهده می‌شود. توضیح اینکه در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، عراق، مورد حمایت‌های مالی گسترده همسایگانش قرار داشت. عربستان سعودی و کویت بین ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار وام و کمک نقدی در اختیار بغداد قرار دادند و فرانسه هم ۵ میلیارد دلار وام برای خرید جنگ‌افزار در اختیار عراق قرار داد. آمریکایی‌ها نیز با اعطای اعتبار به عراقی‌ها و جلوگیری از همکاری‌های نظامی متحدانش با ایران، به نقش آفرینی پرداختند. دولت‌های مصر و اردن هم با در اختیار نهادن سلاح در بحرانی‌ترین شرایط در کنار دولت شوروی سابق که انبوهی از تسلیحات را روانه بغداد نمود، سیاست‌های خویش را دنبال می‌نمودند. نیروهای نظامی و داوطلب اندکی نیز از کشورهای عرب در جبهه‌های نبرد حضور یافتند تا از دولت عراق حمایت نمایند. ارتش عراق با اعطای حقوق و مزایای مالی به دنبال استخدام نیروهای مردمی در دنیای عرب بود تا در جبهه‌های جنگ از آنان بهره گیرد. در آخرین روزهای جنگ تحمیلی، ویژگی‌های بین‌المللی آن دو چندان شد. چراکه دولت‌های آمریکا و شوروی برای تضمین جریان صادرات نفت کشورهای جنوب خلیج وارد آب‌های منطقه شدند، اقدامی که در نهایت به نبردهایی دامنه دار میان نیروهای دریایی ایالات متحده و ایرانی‌ها انجامید.

جنگ کنونی تکفیری‌ها در سوریه و عراق نیز از چنین خصوصیتی برخوردار است. یک بین‌المللی بودن جنگ تکفیری‌ها هم از لحاظ عده و هم عده؛ باید توجه داشت پس از اینکه گروه تروریستی - تکفیری داعش که پیشگام آغاز جنگ تکفیری‌ها در منطقه است، در حدود ۵ سال قبل به سوریه حمله کرده و در همان مراحل ابتدایی موفق شدند کنترل برخی نقاط در این کشور را به دست بگیرند، کمتر کسی تصور می‌کرد که این گروه تروریستی بتواند به حیات خود ادامه دهد. اما تحولات آنگونه که بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران گمان می‌کردند، پیش نرفت و به واسطه کمک‌های مالی منطقه‌ای و بین‌المللی که از طُرُق مختلف به داعش تزریق می‌شد، جایگاه این گروه تروریستی در سوریه را بیش از پیش تثبیت کرد. هم اینک گروه‌های تکفیری مستقر در

سوریه و عراق از طریق فروش نفت، آثار باستانی مسروقه و... نیز درآمدهایی برای خود دارند، اما آنچه که موجب بقای آن‌ها تا به امروز گشته است، چیزی جز کمک‌های مالی هنگفت بین‌المللی از جانب برخی کشورهای خارجی نیست؛ کمک‌هایی که بیش از پیش وجه بین‌المللی بودن جنگ تکفیری‌ها در منطقه را نمایان ساخته است. کما اینکه عناصر تشکیل‌دهنده گروه‌های تکفیری نیز که از اقصی نقاط جهان خود را در صف جنگجویان این گروه‌ها ملحق نموده‌اند، بیش از پیش به تشکیل یک ارتش بین‌المللی متشکل از عناصر تکفیری در منطقه کمک نموده‌اند.

#### ۴. نیابتی بودن

در تعریف مفهوم جنگ نیابتی گفته می‌شود که منظور از آن، جنگی میان دو طرف یا بیشتر است که در آن، دست کم یکی از طرف‌ها از سوی یک کشور خارجی حمایت می‌شود و هدف از آن نیز دستیابی به اهداف و منافع کشور یا کشورهای حامی است. البته در یک جنگ نیابتی، طرفین جنگ به دلایل مشخص مخصوص به خود وارد منازعه با یکدیگر می‌شوند؛ اما دلیل اینکه آنها به عنوان «نایب» در نظر گرفته شده و آن منازعه حالت جنگ نیابتی پیدا می‌کند، همان عامل پیش گفته، یعنی حمایت یک کشور خارجی است. دلیل این حمایت نیز آن است که «نایب» هدفی را دنبال می‌کند که برای حامی مطلوب به نظر می‌رسد. حال در این چارچوب همچنان که جنگ ایران و عراق از این نقطه نظر که عراق در اصل و به نمایندگی از قدرت‌های بزرگ سلطه‌طلب و در راستای تأمین منافع آن‌ها وارد جنگ با انقلاب اسلامی مردم ایران شده بود، یک جنگ نیابتی تلقی می‌شد، جنگ گروه‌های تکفیری نیز یک جنگ نیابتی در منطقه قلمداد می‌شود. بنابراین در اوضاع کنونی بین‌المللی و به طور خاص در رابطه با منطقه غرب آسیا، بحران سوریه و همچنین جنگ یمن، به عنوان نمونه‌هایی از جنگ نیابتی در نظر گرفته می‌شود.

شماری از تحلیل‌گران چنین استدلال می‌کنند با توجه به حمایت ایران و روسیه از دولت دمشق و حمایت برخی از کشورها از جمله آمریکا، عربستان، ترکیه و قطر از گروه‌های تروریست و شورشی در سوریه، درگیری‌ها در این کشور حالت جنگ نیابتی به خود گرفته است. البته نکته مهمی که باید اشاره کرد این است که به عقیده برخی صاحب‌نظران، تحولات خاورمیانه حتی نتیجه جنگ نیابتی میان ایران و عربستان هم نیست، بلکه در سطحی بالاتر، آمریکا عربستان را به عنوان نایب خود در منطقه مورد استفاده قرار داده و سعی دارد از این طریق، جمهوری اسلامی ایران را در فشار قرار دهد.

#### ۵. اهداف مشترک

درست است که بین جنگ تحمیلی ایران و عراق و جنگ گروه‌های تکفیری یک فاصله زمانی بیست ساله وجود داشته و دو جنگ مذکور نیز در شرایطی و چارچوبی کاملاً متفاوت شکل گرفته‌اند، اما این تفاوت‌ها زمانی و مکانی سبب نمی‌شود که از اهداف مشترکی که در دو جنگ تحمیلی و تکفیری وجود دارد غفلت نمود؛ اهدافی

که اگر نگاهی عمیق و واقع‌بینانه به آن داشته باشیم به خوبی متوجه خواهیم شد، در نهایت گفتمان انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌ها و اندیشه‌ها و رفتارهای همسو با آن را نشانه گرفت، ولو با بهانه‌های متفاوت. در واقع مقابله با انقلاب اسلامی ایران همچنان که یکی از اهداف درونی قدرت‌های سلطه‌طلب از جنگ‌افروزی علیه ایران در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی بود، هم اینک نیز ترس از گسترش انقلاب اسلامی و تقویت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری گفتمان مقاومت که یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی است، قدرت‌های بزرگ و توسعه‌طلب همچنین رژیم‌های مرتجع عربی را بر آن داشته است تا در یک جنگ نیابتی با ایران به مقابله با این امر بپردازند. غافل از این که تداوم گفتمان مقاومت همچنان که در هشت سال جنگ‌افروزی علیه ایران استکبار را از نیل به اهداف خود باز داشت، از این پس نیز فروپاشی گروه‌های تکفیری - تروریستی را در پی خواهد داشت.

### ۶. کارکردهای ضد وحدتی اقدام متجاوز

در این زمینه می‌توان گفت، مهم‌ترین مسأله برای غربی‌ها در طول دهه‌های گذشته و از دیرباز جلوگیری از وحدت جهان اسلام بوده است؛ وحدتی که به معنای نابودی سیاست‌های سلطه‌طلبانه غرب در جهان اسلام و حتی سراسر جهان می‌باشد، لذا غربی‌ها با ایجاد فتنه و کوچک‌سازی کشورهای اسلامی به دنبال مقابله با این وحدت هستند. جنگ تحمیلی عراق به ایران و با فاصله زمانی بیست ساله، جنگ گروه‌های تکفیری در منطقه دو مصداق متشابه و بارزی از فتنه‌انگیزی غربی‌ها در جهان اسلام است تا در سایه وجود جنگ و درگیری در داخل سرزمین‌های اسلامی، ضمن ایجاد خلل در کارکردهای وحدتی جهان اسلام به پیشبرد منافع اقتصادی سیاسی و... خود نیز مبادرت ورزند. در این چارچوب همان‌گونه حمله صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران دارای آثار ضد وحدتی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی بود، جنگ گروه‌های تکفیری نیز در جریان وحدت جهان اسلام کاملاً نقشی ویرانگر و مخرب دارند. این کارکرد منفی گروه‌های تکفیری به همین جا خلاصه نمی‌شود، بلکه سرآغازی است برای مشکلات بعدی جهان اسلام در عرصه بین‌الملل. به عبارت دیگر لطمه‌های گروه‌های تکفیری به جهان اسلام فقط به ابعاد داخلی در افول و نابودی وحدت جهان اسلام در بستر شکل‌گیری ایده امت اسلامی خلاصه نمی‌شود، بلکه گروه‌های تکفیری در عرصه بین‌الملل نیز مشکلات زیادی برای جهان اسلام ایجاد می‌کنند.

### ۷. بهره‌برداری صهیونیست‌ها

یکی از تشابهات و موضوعاتی مهمی که هم در جنگ ایران و عراق و هم در جنگ گروه‌های تکفیری در سوریه به وضوح مشهود بوده است، بهره‌برداری صهیونیست‌ها از دو جنگ مذکور است. اینکه جنگ ایران و عراق و جنگ گروه‌های تکفیری در دو مقطع زمانی متفاوت و با فاصله بیست سال، به مسائل مهم جهان اسلام تبدیل می‌شوند، آن هم در شرایطی که باید مسأله فلسطین و اشغالگری صهیونیست‌ها همچنان به عنوان مسأله اول جهان اسلام مطرح باقی بماند، به تنهایی کفایت تا گفته شود که از منظری خاص، صهیونیست‌ها به صرف اینکه در حاشیه قرار گرفته‌اند، از بهره‌برداران واقعی دو جنگ مذکور بوده‌اند. همانطور که در جنگ تحمیلی

عراق و ایران، مسأله فلسطین در حاشیه قرار گرفت و توجه تمام دولت‌های اسلامی به سمت ایران و عراق جلب شد و در نتیجه فضای تنفس کافی برای جنایات و ادامه اشغال‌گری رژیم صهیونیستی مهیا شد، در جنگ کنونی تکفیری‌ها هم این مسأله با اندک تغییراتی در قالب و چارچوب و نه محتوا مشاهده می‌شود. به این معنا که برخلاف تصور رایج، نه آمریکا و نه متحدان آن به دنبال حذف نظام سیاسی سوریه و جایگزینی آن با حکومت و شخص دیگری نیستند! ولو اینکه به آن وانمود می‌کنند؛ آنها در حقیقت به دنبال حذف یا تضعیف حکومت اسد و رها کردن سوریه در بحران و جنگ داخلی هستند؛ چرا که از همان ابتدا قرار بود سوریه به سومالی دیگری تبدیل شود تا رژیم صهیونیستی ضمن بهره‌برداری از تحولات داخلی آن، بتواند در یک حاشیه امن نیز قرار گیرد.

### ۸. استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف

استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف از جمله تسلیحات شیمیایی از دیگر تشابهات جنگ تحمیلی و جنگ تکفیری‌ها است. تاکنون اطلاعات متعددی به دست آمده و منتشر شده است که نشان می‌دهد گروه‌های تکفیری از جمله داعش در مناطق درگیری در عراق و سوریه بارها از تسلیحات شیمیایی که استفاده از آن ممنوعیت بین‌المللی دارد، حتی علیه غیرنظامیان استفاده کرده و به ظرفیت ساخت گاز خردل و کلر در ابعاد کم دست یافته‌اند. به بیان دیگر گروه‌های تکفیری که مناطقی از عراق و سوریه را تحت کنترل دارند، در جنایات تروریستی خود بارها از سلاح‌های شیمیایی و روش‌های نامتعارف استفاده کرده‌اند. این در حالی است که به رغم ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران به طور مکرر از گازهای ارگانوفسفره (عوامل اعصاب) و تاولزا (گاز خردل) استفاده کرد و هیچ برخورد جدی از سوی جامعه جهانی و سازمان ملل انجام نشد و تنها پس از گذشت چندین سال از به کارگیری آن، بدون اینکه عراق را محکوم کنند اعلام شد که عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کرده است. استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹) توسط عراق، بیش از ۱۰۰ هزار مجروح و شهید در بین نظامیان و مردم بی دفاع جمهوری اسلامی بر جای گذاشت. بنابراین به کارگیری سلاح‌های شیمیایی با وجود ممنوعیت استفاده از آن حتی علیه نظامیان، یکی از وجوه مشترکی است که با تعمق در جنگ تحمیلی و جنگ تکفیری می‌توان آن را مشاهده کرد.

### ۹. رفتارهای دوگانه غربی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

برخورد ناعادلانه و رفتارهای دوگانه کشورهای غربی، شورای امنیت، دبیر کل و مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم در قبال جنایات صدام علیه ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی و هم جنایات گروه‌های تکفیری علیه ملت سوریه و عراق در پنج سال گذشته و همچنین اقداماتی انفعالی و بی اثر سازمان‌های بین‌المللی مرتبط از جمله شورای امنیت از جمله موضوعات مشترکی است که هم در جنگ تحمیلی ایران و هم در جنگ تحمیلی گروه‌های تکفیری علیه دولت و ملت سوریه و عراق و حتی سایر مناطق درگیری از جمله یمن و لیبی، قابل مشاهده است.



## نتیجه‌گیری

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و جنگ تحمیلی گروه‌های تکفیری و تروریستی دو مورد از جنگ‌های مهمی است که طی سی سال گذشته در منطقه غرب آسیا اتفاق افتاده است. دو جنگ مذکور همچنان که در سطور بالا به تفصیل به آن پرداخته شد از زوایای گوناگون دارای شباهت‌هایی بوده‌اند؛ شباهت‌هایی که مطالعه و تعمق در آن‌ها نشان می‌دهد گرچه دو جنگ مذکور از نقطه نظر شرایط مکانی، مقطع زمانی، طرف‌های درگیر، آرایش نیروهای جنگی و موضوعاتی از این دست دارای تفاوت‌هایی هستند، اما در حقیقت دارای یک سری اهداف مشخص و مبرهن می‌باشند که به یک هدف بلندمدت منتهی است که آن را می‌توان مقابله با گفتمان اصیل انقلابی اسلامی ایران و یکی از مهم‌ترین اصول آن یعنی ترویج و تحکیم و تقویت محور مقاومت دانست؛ هدفی که هم در هشت سال جنگ تحمیلی علیه انقلاب اسلامی ایران پیگیری می‌شد و هم در جنگ گروه‌های تکفیری که از پنج سال قبل شروع شده است با اندکی تأملی در آن مشاهده می‌شود.

## بخش دوم:

دلایل حضور مستشاری ایران در منطقه  
و کمک به جبهه مقاومت

## چکیده

سوالاتی در باره چرایی حضور مستشاری ایران در کشورهایمانند سوریه و عراق از موضوعاتی است که به صورت مستمر مطرح می‌شود. گرانگه این سوالات بر سوریه متمرکز است. جمهوری اسلامی ایران با اعتراضات سال ۲۰۱۱ که در شهرهای حمص و حماه سوریه اتفاق افتاد، مخالفت کرد زیرا این اعتراضات «جنبش انحرافی» متفاوت از بیداری اسلامی و در راستای اهداف و منافع امریکا بود.

از آن زمان، بسیاری از مقامات نظامی و سیاسی ایران بر لزوم ارائه حمایت نظامی و سیاسی به بشار اسد به منظور جلوگیری از پیشروی گروه‌های شبه نظامی تکفیری مانند داعش و جبهه النصره، تاکید ورزیده‌اند. البته حضور نظامی ایران در سوریه به صورت مستشاری بوده و یکی از وظایف اصلی نظامیان ایرانی در سوریه، سازماندهی مقاومت مردمی است. دشمنان تابلودار ایران در سوریه هم این مسئله را تایید کرده‌اند. به طور مثال ابو محمد الجولانی، رهبر جبهه النصره، شاخه القاعده در سوریه در مصاحبه‌ای که با الجزیره داشت گفت: «ایران مستشار نظامی اعزام کرده است و نیروی نظامی به سوریه اعزام نکرده است».

در نوشتار حاضر به بررسی دلایل حضور مستشاری ایران در کشورهای منطقه با تاکید بر سوریه می‌پردازیم.

## مقدمه

انقلاب اسلامی براساس قاعده نفی سبیل بر این اعتقاد است که کشورهای اسلامی نباید تحت سلطه دولت‌های غیر اسلامی قرار بگیرند. این اصل یکی از اصول مهم حاکم بر مناسبات اسلامی با دیگر کشورهاست که سابقه تاریخی نیز دارد، از جمله در فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و نفی قانون کاپیتولاسیون توسط امام خمینی (ره)، به قاعده نفی سبیل استناد شده است.

قاعده نفی سبیل، راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را بسته است. «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً؛ هرگز خداوند برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط را باز نگذاشته و باز نخواهد نمود»، (سوره نساء، آیه ۱۴۱). نظام جمهوری اسلامی ایران با استناد به این اصل در سیاست خارجی خود حافظ ارزش‌های انسانی، حیثیت و منافع مسلمین و مستضعفین است و خود را موظف به دفاع از آنها می‌داند.

جمهوری اسلامی با عنایت به آموزه‌های قرآنی و فقه تشیع و با مدنظر قرار دادن قانون اساسی حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران را وظیفه اصلی خود می‌داند. استکباری ستیزی به دو روش امکانپذیر است و استمرار و مداومت بر این دو روش شرایط تغییر نظام بین الملل که بنیادهای آن بر بی عدالتی و ظلم استوار است را

امکانپذیر می‌سازد.

نخست مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهمترین عامل استضعاف ملت‌ها هستند. دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول و مولود نظام سلطه و خشونت ساختاری نظم استکباری می‌باشند.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران به موازات مبارزه با استکبار و استعمار، خود را موظف و متعهد به حمایت از مستضعفان جهان و جنبش‌های آزادی‌بخش می‌داند که با مستکبران سر ستیز و نزاع دارند.

دولت سوریه بخشی از جهان اسلام می‌باشد که سابقه و تجربه بسیاری در مبارزه با جهان استکبار در تاریخ خود دارد. این مبارزه برای شکست نظام سلطه، هم در عزم سوریه برای مقابله با رژیم صهیونیستی به عنوان نماد استکبار در منطقه نمود یافته و هم در عدم پذیرش سلطه و سیطره امریکا متجلی شده است.

نظام سلطه کوشیده است برای تضعیف و ضربه زدن به محور مقاومت، که مبارزه با یکجانبه‌گرایی و زیاده‌خواهی امریکا را وجهه همت خود قرار داده، اقدام نماید.

نظام استکباری با تشکیل و تقویت جریان‌های تروریستی و همچنین ارسال سلاح و تبلیغات رسانه‌ای تلاش می‌کند دولت قانونی سوریه را در صورت امکان ساقط نموده و در صورت ناتوانی در به سقوط کشاندن بشار اسد دولت این کشور را ورشکسته نماید و در نتیجه به تعدیل مواضع انقلابی و خصمانه‌اش نسبت به امریکا و رژیم صهیونیستی وادار سازد. چرا که حفظ امنیت رژیم صهیونیستی یکی از عمده‌ترین اصول سیاست خارجی امریکا می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران با پی بردن به مقاصد مخرب و ضد اسلامی نظام سلطه به رهبری امریکا همواره بر حمایت از دولت قانونی و مردمی سوریه تاکید کرده است. در همین راستا رهبر معظم انقلاب بارها اعلام نموده‌اند که با هر طرحی که آمریکایی‌ها در ارتباط با سوریه مبدع آن باشند، مخالف است و جمهوری اسلامی ایران از سوریه به دلیل حمایت از خط مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دفاع خواهد کرد و با هرگونه دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی سوریه مخالف است.

### دلایل حضور مستشاری ایران در کشورهای منطقه

به طور کلی می‌توان گفت حضور مستشاری ایران در کشورهای منطقه به چند دلیل صورت می‌گیرد:

#### ۱. دلایل اعتقادی و ایدئولوژیک

اسلام با قائل شدن رسالت جهانی برای بشریت، همه‌ی هویت‌های قومی و نژادی، قبیله‌ای، ارتباطات خویشاوندی و فامیلی را تابع هویت اسلامی قرار می‌دهد و مرزی برای مسلمین قائل نیست. بر این اساس اسلام جهان را به دو اردوگاه متمایز تقسیم می‌کند، «دارالاسلام» و «دارالکفر». در این تقسیم به خوبی جایگاه عقیده و ایمان در مرزبندی قدرت سیاسی ملاحظه می‌شود و قلمروی دولت اسلامی را قطع نظر از مختصات خاک، خون و غیره بر یک اصل معنوی (وحدت عقیده) استوار می‌گرداند.

به این ترتیب تابعیت در اسلام بر اساس سرزمین نیست، بلکه براساس ایمان و عقیده است. در نتیجه هر جا

مسلمان است دولت اسلامی وظیفه دارد که به وضع آن رسیدگی کند و اگر ظلمی بر آن شد درصدد احقاق حقش برآید.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، نقش محوری در توانمندسازی و وحدت دنیای اسلام بر عهده دارد.

همچنین بر پایه اصل استکبارستیزی و اصل عدالت‌طلبی؛ دین اسلام اجازه نمی‌دهد دولت کافری بر دولت مسلمانی سلطه‌ی خود را اعمال نماید و مسلمین نباید تحت سلطه‌ی کفار باشند. قاعده‌ی فقهی «نفی سبیل» تقویت‌کننده‌ی این اصل مهم در اسلام است.

دولت اسلامی موظف است به بی‌عدالتی در هر جای دنیا اعتراض کند و مدافع حق مظلوم باشد.

در اینجا به برخی از آیات و روایات به شرح زیر اشاره می‌کنیم:

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» ای اهل ایمان در راه قسط و عدالت پایدار و استوار بوده و برای خداوند شاهد و گواه باشید. (سوره نساء، آیه ۱۳۵)

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! (سوره نساء، آیه ۷۵)

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد! (سوره بقره، آیه ۱۹۰)

گذشته از آیات قرآن کریم در سنت نبوی (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز سفارش زیادی به این امر شده است؛ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (کافی، ثقة الاسلام کلینی ج ۲، ص ۱۶۴ ح ۵)

کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک‌خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد مسلمان نیست.

و حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «کونا لظالم خصما و للمظلوم عوناً» دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده باشید. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

همچنین برخی از اصول قانون اساسی، خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را ترسیم کرده و بر استکبارستیزی تأکید ورزیده است که از آن جمله است:

اصل ۱۵۲: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است»

اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند»

## ۲. دلایل راهبردی و استراتژیک

### اول، حضور دولت سوریه در کنار ایران در برهه انقلاب

روابط نزدیک بین ایران و سوریه، بیشتر بر پایه موقعیت ژئوپلیتیک است. دولت سوریه همزمان با انقلاب ایران از نخستین کشورهایی بود که انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و لزوم اتحاد با انقلاب اسلامی را برای قوام و قدرت امت اسلامی مطرح ساخت. حافظ اسد در دیداری که با محسن رفیق دوست وزیر وقت سپاه در سوریه داشت شخصیت امام خمینی(ره) را این چنین توصیف کرده است «در تاریخ چند صد سال اخیر، دنیا انسانی به ویژگی امام(ره) به خود ندیده است و امام شخصیتی است که دوستانش به او عشق می‌ورزند و دشمنانش به او احترام می‌گذارند».

دولت سوریه به ریاست حافظ اسد جز معدود کشورهایی بود که در طول جنگ تحمیلی هشت ساله در کنار مردم و نظام تازه حیات یافته اسلامی قرار گرفت.

حافظ اسد همچنین تجاوز عراق به ایران را محکوم کرده و با رد این تجاوز مطالب زیر را در سخنرانی خود ایراد کرد «عراق کشوری عربی است که ملت و ارتش آن ملت و ارتش ماست و سرنوشت آن سرنوشت ما و ایران کشوری است در همسایگی امت عرب که در آن انقلابی اسلامی، که با مبارزه اعراب علیه دشمن صهیونیستی پیوند دارد، روی داده است و اعراب پیروزی انقلاب را در ایران پیروزی خود به شمار می‌آورند... جای هیچ گونه شک و تردید نیست که این جنگ به گونه ای مثبت، با مصالح و خواسته‌های اعراب ارتباطی ندارد... در نتیجه این جنگ مسئله فلسطین اهمیت خود را در سطح عربی از دست داد و اهمیتی ثانوی یافت و امکانات نظامی و اقتصادی عراق از گردونه درگیری اعراب و اسرائیل خارج شد... این جنگ به خاطر اصول، اهداف و مصالح عرب شکل نگرفته... و بر این اساس بر ما بود که علیه این جنگ موضع بگیریم و به تمام معنی کلمه ضد آن باشیم»

علاوه بر موارد یاد شده دولت سوریه در بحبوحه جنگ مقادیر زیادی سلاح و تجهیزات نظامی در اختیار ایران قرار داد. از سویی این کشور برای حمایت از ایران به تجهیز و تسلیح مخالفان رژیم بعث عراق پرداخت و با امکانات فراوانی که برای مخالفان داخلی صدام حسین مهیا ساخت بستر و زمینه قوام جبهه مقاومت در داخل عراق را فراهم ساخت.

بعد از پایان جنگ نیز اتحاد ایران و سوریه دوام و قوام بیشتر و عمیق تری یافت و سوریه که از سال ۱۹۷۶ برای ایجاد تعادل در موازنه طوایف لبنانی و کاستن از درگیری‌های داخلی با ۲۰ هزار نیروی نظامی وارد لبنان شده بود و به عنوان بازیگر کلیدی در عرصه لبنان به شمار می‌رفت، تمهیدات حضور ایران در لبنان برای پیگیری منافع مرتبط با شیعیان لبنان را مهیا ساخت و مقدمات شکل‌گیری محور مقاومت در مقابل محور ارتجاع عرب و اشغال‌گری رژیم صهیونیستی به عنوان سرنیزه ایالات متحده آمریکا در منطقه را فراهم ساخته و بر عمق نفوذ ژئوپلیتیک و افزایش نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا افزود.

کمک‌های تاریخی سوریه در جنگ تحمیلی و در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران با چالش موجودیتی مواجه

شده بود، ایجاب و اقتضا می کند جمهوری اسلامی نیز به دولت سوریه در شرایط بحرانی کمک نموده و امکاناتی را در اختیار دولت سوریه برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی این کشور قرار دهد.

### دوم، حفاظت از امنیت و منافع ملی ایران

منافع ملی کشورها، از مهم ترین عناصر برای تصمیم گیری است. از این رو «ملت هایی که منفعت ملی خود را نشناسند، خطر نابودی خودشان را به وجود می آورند،

امنیت ملی و منافع ملی ما با همه مسلمانان گره خورده، از این رو انجام حمایت های اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی در حد وسع و توان از ملت های مسلمان دیگر، نه تنها با منافع ملی ما تعارض ندارد بلکه در راستای تامین منافع ملی ایران به حساب می آید؛ زیرا:

اولاً، منافع ملی یک کشور فقط در مرزهای جغرافیایی آن محدود نمی شود. اصولاً بخشی از امنیت ملی هر کشوری، در خارج از مرزهای آن کشورها تامین می شود. همچنان که دشمنان ما در اقصی نقاط جهان پایگاه زده، موجب تهدید امنیت ملی ما و دیگر همسایگان را فراهم آورده است، ما نیز به دنبال پایگاه های امنیتی برای خود در خارج از کشور باشیم.

ثانیاً، حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور که از عناصر کلیدی و حیاتی تشکیل دهنده منافع ملی است، به هزینه ها و کمک به ملت هایی که در خط اول مبارزه با دشمنان ما قرار دارند، نیاز دارد.

هسته های مقاومت و مبارزاتی و نهضت های آزادی بخش در سراسر جهان اسلام به عنوان یکی از مهم ترین اهرم های قدرت برای جمهوری اسلامی است که ابر قدرت ها را ترسانده موجب بازدارندگی آن ها از عملی کردن نیات امپریالیستی شان می گردد و کمک به این مردم مبارز، یعنی استحکام بخشیدن به سنگرهای دفاعی خود.

آینده نگری و تامین منافع بلند مدت خود بهترین دلیل بر انجام چنین اقداماتی است؛ زیرا آرمان ها و اهداف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی هرگز به فسطین محدود نبوده، بلکه آرزوی سیطره بر جهان اسلام و خصوصاً ام القری آن یعنی جمهوری اسلامی ایران را در سر می پروراند. حمایت از جریان مقاومت، قدرت جمعی ما را بر دشمنان افزون می سازد و برای مصونیت خود ما از خطرات دشمن مفید است.

ما با لبنان و سوریه - به عنوان دو کشور هم مرز اسرائیل غاصب - رابطه استراتژیک داریم و این در حقیقت یک کمک بزرگ به حفظ امنیت ملی ما است. بسیای از موارد امنیت کشورها، در سایه توازن استراتژیکی بین نیروهای مختلف با عوامل ایجاد کننده قدرت در منطقه حاصل می شود.

سوریه متحد راهبردی و استراتژیک ایران است و در جنگ تحمیلی با قرار گرفتن در کنار ایران مانع از شکل گیری جبهه اعراب در مقابل ایران شد.

سوریه حائلی بین ایران و رژیم صهیونیستی است که حلقه ای از زنجیره مقاومت در برابر زیاده طلبی صهیونیست ها به شمار می آید. و درواستی در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی و شاید مهمتر از همه یک پل ارتباطی مهم برای دسترسی و کمک به حزب الله لبنان است که در صف مقدم نبرد با صهیونیست ها قرار دارد.

همچنین سوریه به منزله سپری است برای جلوگیری از حمله نظامی و اقدامات خصومت آمیز آمریکا و رژیم

صهیونیستی علیه ایران و عاملی است برای حفاظت از امنیت پیرامونی ایران. بنابراین هزینه کردن برای حمایت از سوریه، در واقع تقویت بنیه دفاعی و عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است که با ایجاد موانع جدی در مقابل دشمنان ایران اسلامی از تحمیل هزینه‌های بیشتر جلوگیری می‌کند.

با توجه به تشکیل محور مقاومت عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و یمن و طبق استراتژی امنیتی-نظامی و دفاعی، سوریه به‌عنوان نقش ارتباطی میان ایران و حزب الله لبنان و ایجاد موازنه قدرت در منطقه و جلوگیری از پیشبرد منافع و نفوذ آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی حائز اهمیت است.

"محور مقاومت"، در برابر اسرائیل غاصب و خط مقدم مبارزه ایران با آمریکا است. با توجه به اینکه پشتیبانی ایران از سوریه بدون در نظر گرفتن مسائل مذهبی است این حمایت از نگاه استراتژیک به عنوان تقویت جبهه مقاومت در منطقه می‌باشد.

تأکیدات و بیانات امام خامنه‌ای در این زمینه بسیار روشنگر و راهگشا است:

ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است، این سنی است... ما توانستیم مشت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم و ان‌شاءالله ادامه خواهیم داد. ۰۴/۰۹/۱۳۹۳  
و همچنین در جای دیگر فرمودند:

جمهوری اسلامی ایران از سوریه به دلیل حمایت از خط مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دفاع خواهد کرد و با هرگونه دخالت در امور داخلی سوریه با شدت مخالف است. ۱۱ فروردین ۱۳۹۱

این راهبرد نشان می‌دهد ایران به دنبال تقویت جبهه مقاومت چه از سوی برادران اهل سنت و چه برادران شیعه منطقه می‌باشد. علاوه بر آن، سوریه به‌عنوان سپری در برابر ستیزه‌جویی دشمنان نظام و انقلاب جهت بی‌ثباتی‌های داخلی و نفوذ در داخل کشور می‌باشد و نظام اسلامی نقشه و برنامه‌های دشمنان را در پشت مرزهای کشور نقش بر آب می‌کند تا مردم ایران اسلامی در امنیت و آسایش خاطر زندگی کنند.

یکی از مجموعه اقداماتی که کشور ما را در منطقه تهدید می‌کرد، اقدامات گروهک‌های تروریستی و سلفی است که به دنبال کشیدن بحران از سوریه به عراق و از عراق به جمهوری اسلامی ایران بودند؛ اما با توجه به هوشیاری و دقت نظر مقام معظم رهبری قبل از اینکه دامنه این بحران‌ها به جمهوری اسلامی کشیده شود، نیروهایی که باید اقدامات لازم را انجام دهند، به خصوص سپاه پاسداران فعال شدند. حضور مستشاری سپاه پاسداران در سوریه و عراق دقیقاً در همین راستاست.

تمامی کارشناسان می‌دانند علت عدم حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر به ایران، قدرت دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در سطح بازدارندگی بوده است و تمامی کارشناسان طرفدار این نگاه، سهم مقاومت و به‌ویژه حزب الله لبنان در تولید چنین قدرتی برای جمهوری اسلامی ایران را، یک سهم بالا می‌دانند. اگر بخواهیم میزان این سهم را بدانیم، تأمل در موارد زیر کفایت می‌کند:

الف- حمله رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ میلادی به حزب الله لبنان، مقدمه‌ای بود برای حمله این رژیم به جمهوری اسلامی، اما شکست صهیونیست‌ها در جنگ ۳۳ روزه، آنان را به این جمع‌بندی رساند که هرگز نباید



موجودیت خود را با حمله نظامی به ایران، به خطر اندازند .

ب- در خلال مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا، باراک اوباما در توجیه دلایل توافق با جمهوری اسلامی در موضوع هسته‌ای و استفاده نکردن از گزینه نظامی علیه ایران، به منتقدان داخلی خود گفت، اگر ما به ایران حمله نظامی می‌کردیم، حزب‌الله لبنان امنیت تل‌آویو را به خطر می‌انداخت. این سخن بسیار روشن است و نشان می‌دهد که سهم حزب‌الله لبنان در تولید قدرت در سطح بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران، یک سهم بالا و تعیین‌کننده است.

### سوم، رویارویی سوریه با رژیم صهیونیستی

سوریه در خط مقدم رویارویی با رژیم صهیونیستی اسرائیل قرار دارد و نابودی رژیم غاصب فلسطین جزو آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) می‌باشد.

نقش ارتباطی سوریه میان ایران و حزب‌الله، ایجاد موازنه قدرت در منطقه و جلوگیری از پیشبرد منافع آمریکا و اسرائیل غاصب در منطقه از مهمترین عواملی است که ایران را به حمایت از این کشور و می‌دارد. روابط تهران با دمشق بر منافع استراتژیک مشترک، از جمله خنثی کردن قدرت آمریکا و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه استوار است و هر دو کشور همچنین برای ایجاد موازنه در برابر دولت‌های معاند عرب، به هم تکیه دارند.

ایران با رژیم اشغال‌گر قدس دشمن موجودیتی هم محسوب می‌شوند و تقابل ایران با اسرائیل ماهیت وجودی دارد. این تقابل، طرفین را برای ضربه زدن به منافع و منابع همدیگر متمایل می‌سازد و جمهوری اسلامی ایران با حمایت از محور مقاومت توانسته ضربات سنگین و سهمگینی را بر پیکره رژیم صهیونیستی وارد ساخته و موجودیت این رژیم را با چالش مواجه سازد. بر این اساس اگر چنانچه سوریه به عنوان کمر بند محور مقاومت سقوط نماید ایران ناگزیر در مرزهای خود محدود خواهد ماند. چرا که راه دستیابی به حزب‌الله و گروه‌های مقاومت برای ضربه زدن به دشمن صهیونیستی از مسیر سوریه عبور می‌کند.

### چهارم، درگیری معارضان با حکومت سوریه به نیابت از آمریکا و رژیم صهیونیستی

معارضانی که در سوریه با حکومت درگیر هستند رسماً از سوی ائتلاف غربی - عربی بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی حمایت می‌شوند و با کنار رفتن بشار اسد زمام امور در سوریه بدست دشمنان انقلاب اسلامی خواهد افتاد که می‌تواند زمینه فشار بیشتر بر ایران را فراهم سازد.

این یک واقعیت است که اساس شکل دادن به این گروه‌های تروریستی از سوی شبکه استکبار و شبکه صهیونیسم به همراه متحدان منطقه‌ای خود، برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی، مقاومت و جریان بیداری اسلامی است. بنابراین، هدف اصلی خود سوریه و عراق نیست.

بحران آفرینی در سوریه و عراق، مقدمه‌ای برای بحران‌سازی در ایران و شکست جمهوری اسلامی بود. در واقع، اگر این گروه‌های تروریستی با کمک‌های مستشاری و شهدای مدافع حرم، در سوریه و عراق زمین‌گیر نمی‌شدند و شکست نمی‌خورند، الآن باید با آنان در داخل ایران می‌جنگیدیم.

سید حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان، در دهمین سالروز پیروزی مقاومت بر رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳



روزه سال ۲۰۰۶ طی سخنان مهمی گفت: یکی از مهمترین نتایج جنگ ۳۳ روزه ایجاد تردید دوباره در اسرائیل درباره بقای این رژیم است و آمریکا بعد از شکست از مقاومت، تکفیری ها را برای جنگ نیابتی با محور مقاومت گرد آورد چون اسرائیل توان چنین مقابله‌ای را نداشت.

سردار دهقان وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران نیز در تحلیل شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در برخی می گوید: گروه‌های تکفیری-صهیونیستی که در واقع تروریست‌های اجاره‌ای هستند در یک جنگ نیابتی از طرف آمریکا، اسرائیل و حمایت‌های بی‌دریغ عربستان، امروز با جنایت و کشتار مسلمانان منطقه نابودی ظرفیت‌های راهبردی انسانی و مادی را هدف گرفته اند.

پس باید بدانیم که کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به مقاومت و حضور مستشاری در کشورهای منطقه، علاوه بر انجام یک تکلیف اسلامی و انقلابی در راستای کمک به ملت‌های مظلوم و کسانی که با نظام سلطه مبارزه می‌کنند، اقدامی هوشمندانه در مقابله با جنگ نیابتی آمریکا و رژیم صهیونیستی و تأمین امنیت ملی است.

### نتیجه‌گیری:

فارغ از مسائل اعتقادی، ایران به سوریه نگاه ژئوپلیتیک نیز دارد چرا که سوریه وزنه تعادل ایران در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشد. و این وزنه مانع پیشبرد منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا می‌گردد. سقوط دولت بشار اسد امنیت و نفوذ منطقه‌ای ما را با چالش مواجه می‌سازد.

پیامد سقوط بشار اسد، تحقق اهداف نامشروع آمریکا در منطقه را به دنبال دارد. چرا که غرب در هم‌پیمانی با ارتجاع عرب پروژه تغییر در سوریه را با هدف ایجاد تغییرات اساسی در الگوهای منطقه‌ای، همچون تجزیه منطقه، مشروعیت و امنیت برای رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند.

پیامد دیگر می‌تواند کاهش بازدارندگی حزب الله لبنان برای حمله رژیم صهیونیستی به ایران باشد. چرا که حزب الله لبنان با دارا بودن بیش از ۱۰۰ هزار موشک دور برد و میان برد و بیش از ۴۵ هزار نیروی آماده به جنگ و با تجربه، در نزدیکی سرزمین‌های اشغالی عملاً به عنوان بازدارنده در حمله رژیم صهیونیستی به ایران عمل می‌کند. زیرا رهبران صهیونیست می‌دانند اگر حمله‌ای به ایران تدارک بینند با حملات ویرانگر حزب الله در مرزهای خود مواجه خواهند شد. اما در صورتی که خط ارتباطی تجهیز حزب الله قطع شود امکان حمله اسرائیل به ایران افزایش می‌یابد.

اگر ما سوریه را از دست بدهیم اهداف استکباری آمریکا در منطقه تحقق خواهد یافت و ایران میدان عمل کمتری خواهد داشت. از دست رفتن سوریه متعاقباً از دست رفتن حزب الله و گروه‌های مقاومت را در پی خواهد داشت و این موضوع، امنیت منطقه‌ای ما را با مشکل مواجه ساخت. اما در بحث مربوط به امنیت ملی چنانچه در سوریه و خارج از مرزهای خود دفاع نکنیم، مطابق فرمایشات رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌بایست این دفاع را در کرمانشاه و همدان به عمل بیاوریم.